

## زمینه‌ها و عوامل بی‌تفاوتی مردم نسبت به قیام و شهادت امام حسین علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی نورمحمدی \*

### اشاره

شهادت حسین بن علی علیه السلام بدان شکل اسف‌بار، تنها ۵۰ سال پس از رحلت جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن هم به دست کسانی که به ظاهر مسلمان بودند، بی‌شک از سویی، در شمار دردناک‌ترین و از سوی دیگر، تأمل‌برانگیزترین واقعه ادوار اسلامی و بلکه تاریخ می‌تواند باشد. این‌که چگونه کسانی که به کیش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند، در برابر شهادت نواده محبوب ایشان بی‌تفاوت بوده و یا حتی در سپاه دشمن قرار داشتند، موضوعی است که ذهن هر پرسشگری را متوجه خود می‌کند. بر این اساس، یکی از موضوعات بایسته، بررسی علل بی‌تفاوتی مسلمانان در برابر قیام و شهادت امام حسین علیه السلام است. نوشتار حاضر می‌کوشد این امر را بررسی نماید.

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته ضروری است که مسلمانان در مقطع تاریخی

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

واقعه کربلا در جغرافیایی شامل: حجاز، عراق، شامات، ایران و شمال آفریقا ساکن بودند. در این میان، واکنش ساکنان ایران و شمال آفریقا به دلیل مسافت زیاد و دوری از کانون حادثه چندان مناسب بررسی نیست؛ اما واکنش ساکنان حجاز، عراق و شام به دلیل وقوع در کانون حوادث، نیاز به تأمل و بررسی دارد. نکته دیگر آن‌که بی‌تفاوتی بیش‌تر مسلمانان نسبت به قیام و شهادت امام حسین علیه‌السلام نیز هم‌چون هر اتفاق تاریخی دیگری، دارای علت واحد نبوده و مجموعه‌ای از عوامل و علل در ظهور آن نقش داشته‌اند. مجموعه مذکور را می‌توان به دسته‌های: «عقیدتی - سیاسی»، «اجتماعی» و «روانی - اخلاقی» تقسیم‌بندی کرد.

### الف - عوامل عقیدتی - سیاسی

عقیده و سیاست، از این رو در کنار هم قرار داده شده‌اند که در صدر اسلام، بیش‌تر دسته‌بندی‌های سیاسی، پس از گذشت یک دوره زمانی کوتاه یا بلند، رنگ و بوی عقیدتی به خود می‌گرفت؛ به عبارت امروزی، احزاب صدر اسلام، در جهت تثبیت موقعیت خود، از دین یاری جسته و به فرقه، مکتب و مذهب تبدیل می‌شدند. از این رو، نخست باید قطب‌های عقیدتی - سیاسی صدر اسلام را بازساخت تا روشن شود که آنان تا چه اندازه با مکتب و خاندان اهل بیت علیهم‌السلام همسو بودند. تنها آن زمان است که درک بی‌تفاوتی آنان نسبت به واقعه مهم قیام و شهادت امام حسین علیه‌السلام آسان می‌شود. اینک به بیان بعضی عوامل عقیدتی و سیاسی در این باره می‌پردازیم.

#### ۱. دوری از خط اصیل اسلام

جهان اسلام پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دلایل گوناگون که مجال توضیح آن نیست، با سربرداشتن از خلافت امیر مؤمنان علیه‌السلام، از خط اصیل اسلام و معارف ناب نبوی فاصله گرفت. نتیجه این دوری، تفکر و مکتبی شد که تأثیری ژرف بر اندیشه سیاسی اسلام و حتی خلق و خوی مسلمانان نهاد. اگرچه بیش‌تر مسلمانان بر این

زمینه‌ها و عوامل بی‌تفاوتی مردم نسبت به قیام و شهادت امام حسین علیه السلام ■ ۱۸۷

باورند که در همان مسیر گام نهادند که رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسیم نموده بود، اما نگارنده هم‌چون بسیاری دیگر بر این عقیده است که تلاش ۲۳ ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله در جامعه نادیده انگاشته شد. اثبات این مطلب روشن، در این مجال نمی‌گنجد. آنچه مسلم می‌باشد، این است که مهم‌ترین تأثیر دوری از خط اصیل اسلام ناب محمدی، حذف مقوله ضرورت وجود و اطاعت از امام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. در این نگاه، هر کسی با هر دلیلی می‌تواند نامزد جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله گردد. بهترین گواه تاریخی آن است که برخی به ابن عباس یادآور شده بودند که: «قریش بدان دلیل که دوست نمی‌داشت نبوت و خلافت در بنی‌هاشم جمع گردد، خلافت را از ایشان (امام علی) منع کرد.»<sup>۱</sup> تنها یکی از خرده تأثیرهای این نگاه، کم‌رنگ شدن گرایش مردم به اهل بیت علیهم السلام و عادی شدن آنان در چشم مردم و در نتیجه، بی‌تفاوتی نسبت به قیام و شهادت آنان بود.<sup>۲</sup>

## ۲. حزب قدرت‌مند عثمانی

حزب عثمانی یا عثمانیه، حزبی سیاسی است که پس از کشته شدن عثمان و به هواداری از او تشکیل شد. این گروه بر این باورند که امام علی علیه السلام با رهبری شورشیان کوفی، مصری و مدنی، در کشته شدن عثمان دست داشته<sup>۳</sup> و یا حداقل با سکوت خود، فضا را برای قتل عثمان مهیا نموده است؛ در حالی که امام

---

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۶۳.

۲. برای درک چگونگی تأثیر تفکر مذکور بر جهان اسلام، باید به واکاوی سیره فردی و حکومتی حاکمان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. برای اطلاع، ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، تصحیح: عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۲۵ - ۱۶۰ و ۲۰۱ - ۲۸۸.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار سویدان، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۹؛ شیخ مفید، محمد بن نعمان، الجمل والنصرة لسید العتره، تحقیق سید علی میرشریفی، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۸.

علی علیه السلام به همراه حسنین علیهم السلام به مقابله با شورش پرداخت و عملکرد خلیفه سوم و اطرافیان‌ش نیز مانع از آن شد که تلاش‌های امام به ثمر بنشیند. این در حالی است که عثمانیان، دوران امام علی علیه السلام را دوران فتنه، خلافت ایشان را غیر قابل قبول و فاقد اجماع مسلمانان، و نیز شخص حضرتش را مستحق قصاص و عثمان را برتر از ایشان می‌دانستند.<sup>۱</sup> البته این حزب نیز همانند تمامی احزاب صدر اسلام، بعدها رنگ عقیدتی به خود گرفت. از همین رو است که از آنان با عنوان «شیعه عثمان» و از کیش‌شان با عنوان «دین عثمان» یاد می‌شود.<sup>۲</sup>

گستره جغرافیایی - جمعیتی این حزب، شامات و بصره بود. این حزب، در بصره هواداران بسیاری داشت؛ به طوری که بصره را قسمتی از شام می‌دانستند که در عراق قرار گرفته است.<sup>۳</sup> بصره و شام، هر دو عثمانی افراطی بودند؛<sup>۴</sup> با این تفاوت که بصریان بر خلاف شامیان، طلحه و زبیر را با توجه به عضویت در شورای شش نفره پس از خلیفه دوم، سزاوارتر به گرفتن انتقام عثمان می‌دانستند و معاویه

۱. عجلی، احمد بن عبدالله، تاریخ الثقات، المدینة المنورة: مکتبة الدار، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۸؛ برای شواهد این برتری، ر.ک: سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۷۴؛ مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکنان فی أسماء الرجال، تحقیق: بشّار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۴۳۷.

۲. برای «شیعه عثمان» ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۸؛ برای «دین عثمان» ر.ک: ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطفّ، تحقیق: یوسفی غروی، محمدهادی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، سوم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۴.

۳. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقیق: حبیب‌الرحمن الأعظمی، بیروت: المجلس الأعلمی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۰؛ ابن سعد، ج ۶، ص ۳۳۳.

۴. ابوجعفر الإسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنة، تحقیق: محمداقبر محمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۲.

را شایسته این کار نمی‌دیدند. به مناطق مذکور، سرزمین‌های جزیره (شامل شهرهای: موصل، نصیبین، دارا، سنجار، آمد، هیت، عانات، حمص، قرقسیا، رقه و رها)<sup>۱</sup>، یمن (صنعا و نجران)، ری<sup>۲</sup> و حتی قسمتی از کوفه<sup>۳</sup> را نیز باید اضافه کرد. شاید در نگاه اول، باور وجود پررنگ این حزب که بنیاد حزب اموی است، در کوفه‌ای که به تشیع معروف است، سخت و سنگین باشد؛ اما حقیقت این است که «این حزب در زمان نهضت امام حسین علیه السلام درصد قابل توجهی از مردم کوفه را به خود اختصاص داده بود؛ زیرا تا آن زمان بیست سال از حکومت اموی در کوفه می‌گذشت.»<sup>۴</sup> این بیست سال، تنها مربوط به دوران حکومت معاویه است و اگر دوران حکومت عثمان را نیز بدان اضافه نماییم، به راحتی قابل باور است که رؤسا و بزرگان صاحب نفوذ بیش تر قبایل از این حزب بوده و غالب مردم به سوی آنان گرایش پیدا کرده باشند. وجود چنین حزبی، موجب گردید که مردم از شناخت اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام، فاصله بگیرند. بدیهی است که نتیجه این فرایند، بی‌تفاوتی در برابر شهادت امام حسین علیه السلام بود.

### ۳. حاکمیت تفکر حزب خوارج

خوارج، شراه، حروریه، حکمیه و یا مارقه، از دیرپاترین احزاب و فرقه‌های اسلامی هستند.<sup>۵</sup> آنان ابتدا پس از جنگ صفین، به صورت حزبی در برابر دو حزب «علوی» به رهبری امام علی علیه السلام و «اموی» به ریاست معاویه، ابراز وجود

۱. ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲. ابوجعفر الإسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار والموازنة، پیشین، ص ۳۲.

۳. برای شرح و اثبات این مطلب، رک: هدایت‌پناه، محمدرضا، جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا،

قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم: ۱۳۸۲ش، ص ۱۹ - ۴۵.

۴. صفری فروشانی، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، قم: مشعر، ۱۳۹۱ش، ص ۲۱۳.

۵. برای اسامی و فرقه‌های خوارج، رک: مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بور سعید: مکتبه الثقافة

الدینیة، بی تا، ج ۵، ص ۱۳۵.

کردند و در پایان قرن اول، با ورود به مسائل کلامی در برابر مرجئه، به صورت یک فرقه کلامی به حیات خود ادامه دادند. آنان در قرون بعدی، با تعدیل اعتقادات خویش، ضامن بقای فرقه‌شان گردیدند.<sup>۱</sup> برای درک صحیح از وجود خوارج در عراق باید اشاره داشت که آنان چهار بار در دوران معاویه سرکوب شدند<sup>۲</sup> تا در دوران یزید طعم قدرت را در بصره بچشند.<sup>۳</sup>

خارجیان متعصب خونریز، در عراق و حجاز و بعدها در اقصی نقاط جهان اسلام حضور داشتند. از کسانی که به راحتی شخصیت بزرگی، هم چون امام علی علیه السلام را کافر و مستحق مرگ می‌شمارند، و بر فرزند و جانشین او یعنی امام مجتبی علیه السلام شمشیر کشیدند، انتظاری جز این نمی‌رود که در قیام و شهادت فرزند ایشان بی تفاوت باشند.

#### ۴. اعتقادات جاهلانه

یکی از گرفتاری‌هایی که باعث انحراف مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله شد، جهل و بی‌خبری آنان از اعتقادات، احکام، سیاست و دیگر محورهای علمی اسلام بود. مردم با دور شدن از اهل بیت علیهم السلام که میراث‌دار واقعی علم نبوی بودند، به دام فریب و نیرنگ حاکمان افتاده و در گمراهی ره پیمودند؛ برای نمونه، می‌توان به ترویج جبر در جامعه، ابتدا از سوی عثمان و سپس معاویه، یزید و دیگر حاکمان اشاره کرد؛ چنان‌که معاویه برای کم کردن مخالفت‌ها با ولایت‌عهدی یزید، آن را

۱. صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. اول: طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۵، ص ۱۶۵ - ۱۶۶. دوم: ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م، ج ۸، ص ۲۴. سوم: بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۸. چهارم: ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، پیشین، ج ۳، ص ۵۱۵.

۳. ابن قتیبة دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامة والسیاسة، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۲۷؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۵، ص ۵۰۳.

به عنوان قضای الهی ترویج می‌کرد.<sup>۱</sup> طبیعی است که در چنین فضایی، واکنش نسبت به شهادت امام حسین علیه السلام نیز با سوء استفاده از حربۀ قضا و قدر، فروکش کند. اوج این اعتقادات جاهلانه، جمله ابن سعد است که برای دستور حمله به سیدالشهداء علیه السلام خطاب به لشکرش فریاد می‌زند: «یا خَیْلَ اللَّهِ اِرْکَبی وَ اَبْشِرِی؛<sup>۲</sup> ای لشکریان الهی! سوار شوید که شما را بشارت [بهشت] باد.»

### ب - عوامل اجتماعی

جوامع اسلامی، همیشه تحت تأثیر جریان‌های فکری گوناگونی بوده‌اند. بررسی جامعه‌شناختی حجاز نشان می‌دهد که قسمت عمده این سرزمین، از افکار دو خلیفه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله متأثر بوده است. علت این امر آن است که صاحبان این افکار و کسانی که روایتگر احادیث و ترویج‌دهنده سیره آنان بوده‌اند، سال‌ها در مکه و مدینه می‌زیسته و مردم از آنان تأثیر پذیرفته‌اند. جامعه شام نیز از ابتدای فتح، به دست آل ابی‌سفیان افتاد<sup>۳</sup> و اسلام را با قرائت آنان فرا گرفت. ثمره اسلام ابوسفیانی، جهل و بی‌خبری نسبت به اسلام راستین بود. این جهل تا بدان پایه بود که مردمان شام، برای پیامبر صلی الله علیه و آله، بستگانی به جز معاویه و خاندان او نمی‌شناختند. با این اوصاف، شام، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه حزب اموی که ادامه حزب عثمانی بود، به شمار می‌رفت. گزارش‌های تاریخی نیز اختصاص هواداری حجاز و شام از برخی احزاب را تأیید می‌نمایند. محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، زمانی که می‌خواست مبلغان عباسی را برای جذب مردم اعزام

۱. ابن قتیبة دینوری، الإمامة والسیاسة، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. ابومخنف، وقعة الطف، پیشین، ص ۱۹۳.

۳. خلیفه، أبو عمرو بن خیاط بن ابي هبیره لیثی عصفری مشهور به شباب، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق:

فواز، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، ص ۸۹.

کند، به آنان توصیه می‌کرد که به خراسان بروند؛ چرا که کوفه و اطرافش متمایل به امام علی علیه السلام، بصره، عثمانی مذهب، جزیره، خارجی مسلک، شامیان، اموی مرام و حجاز نیز هوادار ابوبکر و عمر هستند.<sup>۱</sup> بر این اساس، فهم علت بی‌تفاوتی مردم این سرزمین‌ها در برابر قیام و شهادت امام حسین علیه السلام، کار سختی نیست. پیچیده‌ترین جامعه آن روز جهان اسلام، جامعه عراق بود. در جامعه عراق نیز تنها کوفه وضع بغرنجی داشت؛ زیرا همان طور که گذشت، بصره و جزیره، تقریباً یکدست و با خط اهل بیت علیهم السلام ناموافق بودند. در جامعه بزرگ آن روز کوفه، سه جامعه کوچک‌تر شیعیان، عثمانیان - امویان و خوارج می‌زیستند. بی‌تفاوتی دو جامعه اخیر نسبت به قیام و شهادت امام حسین علیه السلام امری عادی و قابل پیش‌بینی است؛ اما آنچه مهم است، واکاوی جامعه شیعیان کوفه آن روز است که «آنان را می‌توان به دو بخش بزرگان و شیعیان عادی تقسیم کرد. از بزرگان شیعه، می‌توان از افرادی همچون: سلیمان بن صرد خزاعی، مسیب بن نجبه فزاری، مسلم بن عوسجه اسدی، حبيب بن مظاهر اسدی و ابو ثمامه صایدی نام برد ... این افراد عمیقاً به خاندان اهل بیت نبوت علیهم السلام عشق می‌ورزیدند و بعضی از همین افراد بودند که پس از مرگ معاویه، ابتدا باب نامه‌نگاری با امام حسین علیه السلام را گشودند.<sup>۲</sup> شیعیان عادی که درصد قابل توجهی از مردم کوفه را تشکیل می‌دادند، گرچه به

۱. مجهول (بی‌نام)، أخبار الدولة العباسية وفيه أخبار العباس وولده، تحقیق: عبد العزيز الدوري و عبد الجبار المطلبي، بيروت: دار الطليعة، ۱۳۹۱ق، ص ۲۰۶؛ مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد، أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم، القاهرة: مكتبة مدبولي، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، ص ۲۹۴؛ مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاريخ، پیشین، ج ۶، ص ۵۹؛ ابن الجوزي، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الأولى، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م، ج ۷، ص ۵۶.

۲. طبری، تاريخ الأمم و الملوك، پیشین، ج ۵، ص ۳۵۱.



خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علاقه وافری داشتند، اما رفتار والیانی همچون زیاد و پسرش با آنان و نیز سیاست‌های کلی امویان در شیعه‌زدایی جامعه کوفه، از آنان زهر چشم سختی گرفته بود.<sup>۱</sup> این زهر چشم، جرأت هر گونه حرکتی را از آنان گرفته بود. ضمن این‌که اگر هم چون برخی محققان، تشیع را به انواع مختلفی تقسیم کنیم، خواهیم دید که «تشیع عراقی» نوعی «تشیع عام و سیاسی» بوده است که نمی‌توان از آن همان انتظار «تشیع اعتقادی» را داشت.<sup>۲</sup>

جامعه‌شناسی کوفه، امکان یک نوع نگاه دیگر را نیز به محققان می‌دهد و آن این‌که جامعه کوفه در یک نگاه کلی، از دو بخش «اشراف» و «غیر اشراف» شامل: مردم عادی، بندگان و موالی تشکیل شده بود. موالی به غیر عرب‌هایی گفته می‌شد که با یکی از قبیله‌های عرب پیمان می‌بستند تا جزء آن قبیله شمرده شده و از حقوق اجتماعی و شهروندی برخوردار گردند. بیش‌تر این موالی، ایرانیانی بودند که یا در جنگ‌ها اسیر شده بودند و یا به کوفه مهاجرت کرده بودند؛ از جمله برای درک بهتر موقعیت آنان، می‌توان تنها به جمعیت چهارهزار نفری آن‌ها اشاره کرد که همگی از موالی قبیله بنی‌تمیم بودند.<sup>۳</sup>

دسته‌بندی اشراف و غیر اشراف، در گزارش‌های مربوط به واقعه کربلا دیده می‌شود. شخصی در جواب به امام حسین علیه السلام که جویای اوضاع و شرایط کوفه بودند، گفت: «اشراف مردم به وسیله رشوه‌های عظیم، محبت آنان به حکومت خریده شده است و اما سایر مردم، دل‌هایشان با تو و شمشیرهایشان فردا علیه تو کشیده خواهد شد.»<sup>۴</sup> اهمیت این دسته‌بندی، بدان جهت است که مردم عادی،

---

۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، پیشین، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۲. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم، دوم، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲.

۳. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، بیروت: دار ومکتبة الهلال، ۱۹۸۸م، ص ۲۷۵.

۴. قرشی، محمدباقر، حیاة الامام الحسین علیه السلام؛ دراسة وتحلیل، قم: دار الکتب العلمیة، ۱۳۹۷ق، ج ۲،

بندگان و موالی هر قبیله‌ای، پیرو موضع سیاسی اشراف آن قبیله بودند و همان طور که در قسمت عوامل اعتقادی و سیاسی گذشت، رؤسا و بزرگان صاحب نفوذِ بیش‌تر قبایل، از حزب عثمانی - اموی بودند.

### ج - عوامل روانی - اخلاقی

گذشته از عوامل بیرونی، هر انسانی در کردار و رفتار خود، تحت تأثیر عوامل درونی نیز هست. مهم‌ترین عامل درونی در یک انسان، شخصیت خود او است و اهمیت این شخصیت و هویت فرد تا آن‌جا است که با وجود عوامل متعدد و مخالف بیرونی، به‌تنهایی می‌تواند در برابر همه آن‌ها قد علم کرده و به انتخابی دیگر، صحیح یا غلط دست بزند. در این‌جا به بیان برخی از علل اخلاقی و روانی مؤثر در مسلمانان در موضوع مورد بحث می‌پردازیم.

#### ۱. ضعف دین‌داری

همان طور که گذشت، مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ از تعالیم ناب نبوی فاصله گرفتند. آنان از سویی، سرچشمه اصلی معارف صحیح اسلامی، یعنی خاندان عصمت و طهارت را از دست داده و از سوی دیگر، حاکمان را الگوی خویش قرار دادند. این هر دو، منجر به ضعف دین‌داری در میان آنان گردید. امام حسین علیه السلام نیز به این نکته تذکر داده و فرموده: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛<sup>۱</sup> مردم، بندگان دنیا هستند و دین را همانند چیزی که طعم و مزه داشته باشد، می‌انگارند و تا مزه آن را بر زبان خود احساس می‌کنند، آن را نگاه می‌دارند و هنگامی که بنای آزمایش باشد، تعداد دین‌داران اندک می‌شود.»

## ۲. دنیاطلبی

یکی دیگر از آثار ناخوشایند فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام ناب محمدی و قرار گرفتن در مسیر خلفا، باز شدن دروازه فتوحات و سرازیر شدن غنایم به سوی مسلمانان بود. بدیهی‌ترین اثر زود هنگام و قابل پیش‌بینی این پدیده، رشد دنیاطلبی میان مردم بود. «از همان ابتدای شروع جنگ‌های ایران و مسلمانان، گروه‌هایی از قبایل مختلف اعراب به طمع گردآوری غنایم، به دنبال سپاه راه افتادند. این عده پس از بنیان‌شدن شهر کوفه، در آن ساکن شده و بر اخلاقیات دیگر مردمان نیز تأثیر گذاشتند. وجود این خصیصه در کوفیان، باعث شده بود تا روحیه «نان به نرخ روز خوردن» را به دست آورند و از هر جریان و حکومتی که دنیای آنان را تأمین کند، طرفداری نمایند.»<sup>۱</sup> همان گونه که در بحث ضعف دین‌داری گفتیم، سیدالشهداء علیه السلام در مسیرشان به سوی کربلا در سخنانی به این نکته اشاره کرده و چنین مردمانی را بندگان دنیا دانستند.<sup>۲</sup> از جمله شواهد تاریخی این بحث، طمع عمر بن سعد به حکومت ری است.<sup>۳</sup>

## ۳. استفاده از مال حرام

استفاده از مال حرام، یکی از عوارض ضعف دین‌داری و نشانه بارز دنیاطلبی است. مورخان ذکر کرده‌اند هنگامی که دشمن، سیدالشهداء علیه السلام را محاصره کرد، ایشان برای سخنرانی به میان آنان رفت؛ اما آنان از شنیدن کلام حضرت ابا داشتند. آن‌گاه امام علیه السلام علت روگردانی آنان از کلام حق را استفاده از مال حرام بیان نمودند: «فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَيَّ قُلُوبِكُمْ»<sup>۴</sup> به تحقیق،

۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، پیشین، ص ۱۹۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۲۴۵.

۳. رک: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ ش.

۴. همان، ص ۲۴۰، یاورقی ۲.

شکم‌های شما از مال حرام پر شده و بر قلب‌های شما مهر زده شده است.» در تأیید فرمایش امام حسین علیه‌السلام، می‌توان به پذیرش رشوه از سوی سران قبایل کوفه<sup>۱</sup> اشاره نمود.

#### ۴. آلودگی به گناه

جدای از این‌که ضعف دین‌داری سبب بروز گناه می‌شود و یا استفاده از مال حرام، گناه بزرگی است، شهید مطهری بر این باور است که یاران ابن زیاد و ابن سعد خُبث باطنی داشته‌اند.<sup>۲</sup> گفتنی است که اوج آلودگی به گناه، سبب می‌شود که باطن شخص، خبیث شود؛ وگرنه انسان از بدو خلقت، دارای طینتی پاک است و با گذشت زمان و غفلت از حق تعالی، کم‌کم دامانش به گناه آلوده می‌شود و در نهایت، گرفتار خباثت درونی می‌گردد.

#### ۵. اجتهاد نابه‌جا

اجتهادهای نابه‌جا نیز از آثار گم‌گشتگی معارف ناب اسلام در دعوای سیاسی و قدرت‌طلبانه است. پس از خانه‌نشینی اجباری امام علی علیه‌السلام که مفسر و شارح واقعی احکام الهی بود، مردم در مسائل شرعی پیش‌آمده و جدید، به اصحاب، به‌ویژه خلفا رجوع می‌کردند. آنان نیز در مسائل مشکل، به اجتهاد خویش عمل می‌کردند. با رشد این خصیصه در میان مسلمانان، هر کس که کوچک‌ترین اطلاعی از دین داشت، به خود اجازه می‌داد که در بزرگ‌ترین مسائل دینی اظهار نظر کرده و بر طبق آن عمل نماید. اوج این مسأله را در میان اهل حجاز و عراق، به‌ویژه قاریان کوفی و خوارج مشاهده می‌کنیم. در چنین فضایی، بسیار عادی است که برخی به اصطلاح مجتهدان، درباره قیام و شهادت اجتهاد کرده و مثلاً آن را بر خطا دانسته و نسبت به آن بی‌تفاوت باشند و عده‌ای نیز دانسته یا ندانسته از آنان پیروی کنند.

۱. بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: صدرا، سیزدهم، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.

## ۶. احساسات

این ویژگی اخلاقی، از دوران قدیم با عرب‌ها همراه بوده است. آنان از قدیم با کوچک‌ترین تحریکی به جان هم افتاده و جنگ‌هایی طولانی را رقم می‌زدند.<sup>۱</sup> پس از اسلام و با تأکیدهای فراوان قرآن بر تعقل و تدبیر، پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله توانست تا حدود بسیاری آنان را کنترل کند. اما پس از رحلت حضرت و با زنده شدن مجدد روح عربی در سایه خلافت خلفا، آنان به راه و روش گذشته خویش بازگشتند. نمونه بارز این احساسات را می‌توان در میان کوفیان مشاهده کرد. آنان زمانی به طرفداری از امام علی علیه السلام برخاستند و زمانی هم نسبت به او بی‌تفاوت بودند. همین رفتار را نسبت به امام حسن علیه السلام و پس از ایشان نسبت به امام حسین علیه السلام و فرستاده ایشان، مسلم بن عقیل نیز داشتند. یکی از محققان تاریخ، این ویژگی را ناشی از عدم رسوخ ایمان در قلب‌های مسلمانان می‌داند؛ چرا که آنان با دیدن شوکت اسلام، آن را پذیرفتند؛ ولی با انگیزه دنیاطلبی به جنگ می‌رفتند.<sup>۲</sup>

## ۷. تبلیغات دشمن

از دیگر مسائل روانی که با استفاده از جهل و بی‌خبری مردم به ثمر نشست، تبلیغات مسموم حاکمیت علیه خاندان نبوت بود. آنان با این تبلیغات، مردم را از اهل بیت علیهم السلام دور نموده و نسبت به آنان بی‌تفاوت می‌کردند. پس از حاکمیت معاویه، کار به جایی رسید که برخی مردم امام علی علیه السلام را مستحق لعن و دشنام می‌دانستند. وقتی از مروان بن حکم سؤال شد که چرا چنین امری را ترویج می‌کنید؟ پاسخ گفت: «لا یتقیم الأمر إلاّ بذلک»<sup>۳</sup>؛ امر (حکومت بنی‌امیه)، جز با

---

۱. رک: جزری، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، پیشین، ج ۱، ص ۵۰۲؛ نمونه این مطلب، جنگ بعثت است.

(رک: ذهبی، تاریخ اسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتاب العربی، دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۸)

۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، پیشین، ص ۲۰۲.

۳. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، پیشین، ج ۳، ص ۴۶۱.

این کار سامان نمی‌یابد.» از دیگر اقدامات معاویه، نفی فضایل امام علی علیه السلام و نسبت‌دادن آن به سایرین، انتساب رذایل دیگران به ایشان و استخدام برخی صحابه برای جعل احادیث در مذمت حضرتش بود.<sup>۱</sup> همین اقدامات بود که سبب شد برخی فقط به دلیل بغض و کینه نسبت به امام علی علیه السلام در کربلا حاضر شوند و در برابر قیام و شهادت سیدالشهداء علیه السلام نیز بی‌تفاوت باشند.

این تبلیغات، تنها در بُعد فکری نبود و از نظر سیاسی و نظامی نیز ابن زیاد با تبلیغات سپاه موهوم شام، مردم کوفه را مرعوب نمود و از یاری مُسَلِّم و امام حسین علیه السلام منصرف کرد. تهدید و تطمیع، از دیگر مسائل روانی قابل اشاره است. ابن زیاد، از سویی با تهدید و تطمیع اشراف قبایل، هر رئیسی را در برابر قبیلۀ خویش قرار داد و از سوی دیگر، با تهدید و تطمیع تمامی مردم، سبب شده بود که حتی اگر رئیس قبیلۀ ای خواهان یاری حسین علیه السلام باشد، مردمش به یاری او برنخیزند. داستان یاری‌نشدن هانی بن عروه از سوی قبیلۀ پرجمعیت‌اش، بهترین گواه تهدیدهای ابن زیاد است.<sup>۲</sup> ابن زیاد با سلب امنیت از فراریان لشکر اعزامی به کربلا، توانست لشکر پرشماری تجهیز کند و نام کوفیان را برای همیشه تاریخ سیاه نماید.<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ش، ج ۴، ص ۶۳.

۲. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۹.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، پیشین، ج ۳، ص ۳۸۷.